

خرداد ۱۴۰۴ – ۹ ژوئن ۲۰۲۵

تحلیلی از چشم‌انداز تاریک اقتصاد اسرائیل و وابستگی چشمگیر آن به ایالات متحده و کشورهای غربی

مقدمه

این مقاله خلاصه‌ای کوتاه از مقاله انگلیسی من در خصوص تحلیل و ارزیابی وضعیت اقتصادی، مالی و بودجه‌ای اسرائیل است، با تأکید بر حمایت بی‌قیدوشرط ایالات متحده و کشورهای غربی. از دیدگاه دولت آمریکا — فارغ از این‌که چه کسی رئیس‌جمهور باشد — اسرائیل در منطقه‌ای ژئوپولیتیکی و حساس از خاورمیانه دارای ارزش راهبردی است. این اهمیت راهبردی اهداف متعددی را دنبال می‌کند، از جمله فروش انبوه تسلیحات به کشورهای عرب منطقه و مهار نفوذ روسیه و در سال‌های اخیر چین. تحلیل جامع‌تر این موضوع در کتابی که در آینده منتشر خواهد شد، ارائه می‌شود.

مروری تاریخی بر اقتصاد اسرائیل

رسانه‌های غربی بارها از قدرت اقتصادی اسرائیل و جایگاه آن در میان اقتصادهای موفق جهان سخن گفته‌اند. با این حال، بر اساس تحقیقات و تحلیل‌های دقیق، این داده‌ها — همانند هر کشور دیگری — نیازمند بررسی در بستر واقعی خود هستند تا تصویر عینی‌تری ارائه دهند. طبق آمار رسمی، تولید ناخالص داخلی اسرائیل در سال ۲۰۲۳، ۵۶۴ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی سرانه آن ۵۸,۲۷۰ دلار (در مقایسه با ۵۴,۹۳۱ دلار در سال ۲۰۲۲) بوده است. این کشور از نظر تولید ناخالص داخلی اسمی در جایگاه بیست‌ونهم و از نظر سرانه در جایگاه هجدهم جهانی قرار دارد.

در سال ۲۰۲۴، نرخ رشد اقتصادی به ۱٪ کاهش یافت، در مقایسه با ۱.۸٪ در سال ۲۰۲۳ و ۶.۳٪ در سال ۲۰۲۲، پیش از شروع جنگ. بر پایه سرانه، تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۴ با ۰.۳٪ کاهش روبه‌رو شد، پس از کاهش ۰.۱٪ در سال ۲۰۲۳. طبق آمار اداره مرکزی آمار اسرائیل، تولید بخش خصوصی در سال ۲۰۲۴ با کاهش ۰.۶٪ مواجه شد. سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت نیز ۵.۹٪ افت داشت، در ادامه کاهش ۱.۸٪ در سال قبل. صادرات کالا و خدمات نیز در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۲۳، ۵.۶٪ کاهش یافت. در مقابل، مصرف خانوارها — به عنوان یکی از محرک‌های اصلی فعالیت اقتصادی — ۳.۹٪ افزایش یافت.

با آن‌که تغییرات سرانه تولید ناخالص داخلی اغلب معیاری برای سنجش بهبود یا کاهش سطح رفاه عمومی در نظر گرفته می‌شود، این معیار نمی‌تواند تمام جنبه‌های مرتبط با کیفیت زندگی را نشان دهد. در مورد اسرائیل، حدود ۲۱ تا ۲۵ درصد جمعیت را عرب‌های فلسطینی، مسیحیان غیر عرب و ارامنه تشکیل می‌دهند. برای این اقلیت‌ها، کیفیت زندگی نه تنها به سطح کلی تولید ناخالص داخلی بلکه به نحوه توزیع آن نیز بستگی دارد.

طبق ارزیابی‌های اداره مرکزی آمار، شکاف‌های قابل توجهی میان جوامع یهودی و عرب وجود دارد. اعراب اسرائیلی درآمد کمتری دارند، بیشتر در معرض فقر هستند و امید به زندگی آن‌ها پایین‌تر است. بر اساس گزارش، تنها نیمی از خانوارهای عرب قادر به تأمین هزینه‌های ماهانه خود هستند و نرخ اشتغال در میان آن‌ها کمتر از یهودیان است. برای نمونه، در سال ۲۰۲۱، ۷۶.۵٪ از خانوارهای یهودی قادر به تأمین مخارج ماهانه خود بودند، در حالی که این رقم برای خانوارهای عرب تنها ۵۳.۷٪ بود. میانگین درآمد ناخالص ماهانه خانوارهای یهودی ۱.۶ برابر بیشتر از خانوارهای عرب بوده است. این داده‌ها که از منابع رسمی دولت اسرائیل استخراج شده‌اند، بیانگر دشواری‌های شدید بخش بزرگی از جمعیت عرب هستند. تبعیض، مجازات‌های سخت قانونی، زندان، ناامنی و شرایط زیست‌محیطی نیز بر زندگی این اقلیت‌ها تأثیر می‌گذارند، هرچند خارج از حوزه موضوعی این مقاله هستند.

مهم‌ترین مسئله، ریسک سیاسی و کشوری است که همواره وجود داشته و با ادامه عملیات‌های ارتش اسرائیل در غزه و سرزمین‌های فلسطینی به‌طور چشمگیری تشدید شده است. از زمان تأسیس، اسرائیل منبع مناقشات سیاسی و درگیر چندین جنگ با کشورهای عرب و همسایه بوده است. با وجود حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده و بسیاری از دولت‌های غربی، ریسک‌های ژئوپولیتیکی نقش مهمی در ارزیابی‌های مالی اسرائیل دارند. نظام سیاسی دوقطبی، اصلاحات قضایی جنجال‌برانگیز، و نفوذ احزاب راست‌گرای افراطی و اقلیت‌های مذهبی — که غالباً طرح‌های تفرقه‌برانگیز ارائه می‌کنند — نباید دست‌کم گرفته شوند. این عوامل ممکن است پیامدهایی بسیار شدیدتر از جنگ جاری در فلسطین داشته باشند. تضعیف تفکیک قوا و تسلط سیاسی بر نهادهای قضایی، نگرانی‌های جدی درباره تضاد منافع نهادی به‌وجود آورده‌اند.

حمایت بی‌چون‌وچرای آمریکا و کشورهای غربی — چه نظامی، چه مالی و چه اقتصادی — عملاً اسرائیل را به‌سمت درگیری نظامی سوق می‌دهد تا راحل‌های دیپلماتیک، به‌ویژه در قبال فلسطینیان. این حمایت فراگیر موجب شده اسرائیل از برتری مطلق نظامی و اقتصادی برخوردار باشد و اختلافات سیاسی را به جنگ‌های مسلحانه تبدیل کند.

کسری بودجه اسرائیل و نحوه تأمین مالی آن

وضعیت مالی عمومی اسرائیل به دلایل مختلفی رو به وخامت است. یکی از نگرانی‌های اصلی، افزایش نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی است که نشان از سنگینی بار بدهی دارد. بر اساس گزارش بانک اسرائیل، هزینه تخمینی جنگ غزه از ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ حدود ۱۳٪ از تولید ناخالص داخلی است، عمدتاً به‌دلیل افزایش هزینه‌های دفاعی و غیرنظامی. دولت جزئیاتی درباره افزایش هزینه‌های نظامی ارائه نداده است.

براساس پیش‌بینی‌های مودیز و فیچ، کسری بودجه بین ۶.۶٪ تا ۶.۸٪ از تولید ناخالص داخلی خواهد بود — کمی بیشتر از برآوردهای رسمی. در دسامبر ۲۰۲۳، دولت با توجه به هزینه‌های جنگ، بودجه را بازنگری کرد که منجر به کسری ۴.۲٪ از تولید ناخالص داخلی برای سال ۲۰۲۳ شد (در مقایسه با کمتر از ۲٪ در سال ۲۰۲۲). بودجه ۲۰۲۴ پس از بازنگری، کسری را ۶.۶٪ پیش‌بینی می‌کند (در حالی که پیش‌بینی قبل از جنگ حدود ۲.۵٪ بود). آژانس

استاندارد اند پورز کسری بودجه سال ۲۰۲۴ را ۸٪ و بدهی دولتی را ۶۶٪ از تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی کرده است، عمدتاً به دلیل افزایش هزینه‌های نظامی. این پیش‌بینی‌ها خوش‌بینانه تلقی می‌شوند زیرا هنوز هیچ راحل سیاسی روشنی در قبال فلسطین یا همسایگان وجود ندارد.

با وجود کمک‌های گسترده مالی و نظامی از سوی آمریکا، بریتانیا، آلمان و سایر کشورها، افزایش هزینه‌های دفاعی و غیرنظامی نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی را تا سال ۲۰۲۵ به ۶۷٪ خواهد رساند، در حالی که این نسبت در سال ۲۰۲۲ معادل ۶۰٪ بود.

باید تأکید کرد که بدون حمایت آمریکا، کسری بودجه و چشم‌انداز اقتصادی اسرائیل بسیار وخیم‌تر می‌بود. در چارچوب برنامه کمک‌های آمریکا، این کشور وام‌های دولتی اسرائیل در بازارهای مالی بین‌المللی را تضمین می‌کند. این وام‌ها دارای ضمانت رسمی خزانه‌داری آمریکا هستند و اگر اسرائیل از بازپرداخت ناتوان شود، آمریکا موظف است طی سه روز کاری بدهی را تسویه کند. این حمایت گسترده نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا طی چند دهه یکی از عوامل کلیدی در بقای مالی اسرائیل بوده است.

وابستگی کامل اسرائیل به ایالات متحده (اقتصادی، نظامی، سیاسی حمایت تعیین‌کننده سیاسی ایالات متحده از اسرائیل)

ایالات متحده آمریکا، اسرائیل را به‌عنوان یکی از متحدان اصلی غیر عضو ناتو معرفی کرده است. در سال ۱۹۷۲، ایالات متحده برای نخستین‌بار از حق وتو استفاده کرد تا مانع تصویب قطعنامه‌ای شود که اسرائیل را به دلیل جنگ علیه سوریه و لبنان محکوم می‌کرد. از آن زمان تاکنون، ایالات متحده بیشترین استفاده را از حق وتو در شورای امنیت داشته است، عمدتاً برای جلوگیری از تصویب قطعنامه‌هایی که به انتقاد و محکومیت اسرائیل می‌پردازند. از سال ۲۰۰۲، را به‌کار گرفته است تا اغلب قطعنامه‌های مربوط به (Negroponte Doctrine) ایالات متحده دکتترین نگرپونته. مناقشه جاری اسرائیل و فلسطین را وتو کند.

بر اساس گزارش شورای روابط خارجی آمریکا، تا تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳، ایالات متحده ۴۵ بار قطعنامه‌های انتقادی از اسرائیل را وتو کرده است. از زمان تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، آمریکا در مجموع ۸۹ بار از حق وتوی خود استفاده کرده که بیش از نیمی از این وتوها در حمایت از اسرائیل بوده است. از میان این قطعنامه‌ها، ۳۳ مورد مربوط به اشغال سرزمین‌های فلسطینی یا رفتار اسرائیل با مردم فلسطین بوده‌اند.

اولین بار آمریکا در سپتامبر ۱۹۷۲ برای حمایت از اسرائیل قطعنامه‌ای را وتو کرد که از اسرائیل می‌خواست به تهاجم در لبنان پایان دهد. این دومین باری بود که ایالات متحده از حق وتوی خود در شورای امنیت استفاده می‌کرد. پس از آن، آمریکا به طور مکرر برای متوقف کردن قطعنامه‌های انتقادی از اسرائیل از وتو استفاده کرد. بین سال‌های ۱۹۸۲ تا

۱۹۹۰، آمریکا ۲۱ بار در حمایت از اسرائیل از حق وتو استفاده کرد — که تقریباً نیمی از کل وتوهای این کشور در حمایت از اسرائیل در این دوره را شامل می‌شود. این قطعنامه‌ها، تجاوز اسرائیل به لبنان و اشغال سرزمین‌های فلسطینی را محکوم می‌کردند.

از سال ۲۰۰۱ به بعد، ایالات متحده ۱۴ بار دیگر نیز در حمایت از اسرائیل از حق وتو استفاده کرده است. پیش از سال ۱۹۷۲، اعضای دائم شورای امنیت به ندرت از حق وتوی خود استفاده می‌کردند. بریتانیا پنج بار، فرانسه چهار بار، و آمریکا و چین هر یک یک بار استفاده کردند. در مقابل، روسیه (شوروی سابق) در فاصله سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۱، ۱۰۹ بار از حق وتو بهره برد، یعنی به طور میانگین بیش از چهار بار در سال — بیشتر از آمریکا یا چین در همان بازه زمانی.

در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۶، دولت اوباما به قطعنامه‌ای در خصوص توقف شهرک‌سازی‌های اسرائیل رأی ممتنع داد — برای نخستین بار بود که آمریکا از وتو استفاده نکرد. اما در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، آمریکا به استفاده از وتو بازگشت. در ۲۵ مارس ۲۰۲۴، دولت بایدن نیز در رأی‌گیری پیرامون قطعنامه ۲۷۲۸ شورای امنیت سازمان ملل، که خواستار آتش‌بس فوری در جنگ اسرائیل و حماس و آزادی بی‌قیدو شرط تمامی گروگان‌ها بود، رأی ممتنع داد.

حمایت مالی قابل‌توجه ایالات متحده از اسرائیل

از زمان جنگ جهانی دوم، اسرائیل بزرگترین دریافت‌کننده انواع مختلف کمک‌های نظامی، مالی و سیاسی از سوی ایالات متحده بوده است. در واقع، آمریکا بیش از هر کشور دیگری به اسرائیل کمک خارجی اعطا کرده است. بر اساس اطلاعات رسمی، اسرائیل بزرگترین دریافت‌کننده کمک‌های امنیتی ایالات متحده تحت برنامه تأمین مالی نظامی. عنوان ۲۲ است (FMF) خارجی.

طبق گزارش‌های کنگره، مجموع تعهدات کمک خارجی ایالات متحده به اسرائیل در دوره ۱۹۴۶ تا ۲۰۲۳ حدود ۱۵۹ میلیارد دلار (بدون تعدیل برای تورم) بوده است، بدون در نظر گرفتن کمک اضطراری ۱۴ میلیارد دلاری که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، هم‌زمان با آغاز جنگ غزه، از سوی دولت آمریکا تصویب شد. براساس گزارش شورای روابط خارجی، اسرائیل از زمان تأسیس، بزرگترین دریافت‌کننده کمک خارجی ایالات متحده بوده و در مجموع حدود ۳۰۰ میلیارد دلار (با احتساب تورم) کمک اقتصادی و نظامی دریافت کرده است. اگر ارقام با تورم تعدیل شوند، اسناد رسمی نشان می‌دهند که بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۲۰۲۲، اسرائیل ۲۲۵ میلیارد دلار دریافت کرده که تقریباً ۷۱٪ از مجموع کمک‌های خارجی ایالات متحده است. از رقم ۱۵۹ میلیارد دلار، ۱۱۴.۴ میلیارد دلار نظامی، ۳۴.۴ میلیارد دلار اقتصادی، و حدود ۱۰ میلیارد دلار مربوط به دفاع موشکی است. تنها در حوزه کمک اقتصادی، بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۲۰۲۲، اسرائیل ۹۲.۷ میلیارد دلار (با تعدیل تورم) دریافت کرده که حدود ۲۹٪ از مجموع کمک‌ها را شامل می‌شود. این کمک‌های چشمگیر اقتصادی طی سالیان متمادی، نقش مهمی در حمایت از اقتصاد اسرائیل ایفا کرده و یکی از عوامل کلیدی بقای اقتصادی این کشور تا دهه ۱۹۹۰ محسوب می‌شود، یعنی زمانی که اسرائیل توانست بخش فناوری پیشرفته خود را گسترش دهد. کمک‌های آمریکا به اسرائیل صرف امور مختلفی شده است، از جمله: اسکان مجدد مهاجران

یهودی (به‌ویژه از شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی)، تحقیق و توسعه فناوریانه، آموزش، بهداشت و سایر حوزه‌ها.

از منظر نظامی، اسرائیل طبق قوانین آمریکا به عنوان «متحد اصلی غیرناتو» شناخته می‌شود. کمک‌های نظامی آمریکا به اسرائیل با یادداشت تفاهم ۱۰ ساله‌ای (۲۰۱۹-۲۰۲۸) رسمی شده‌اند که بر اساس آن، آمریکا سالانه ۳.۳ میلیارد دلار تحت برنامه تأمین مالی نظامی خارجی و ۵۰۰ میلیون دلار برای برنامه‌های مشترک دفاع موشکی پرداخت می‌کند.

تا سال ۲۰۲۳، ایالات متحده ۵۹۰ پرونده فروش نظامی خارجی فعال با ارزش ۲۳.۸ میلیارد دلار با اسرائیل دارد. اگرچه کمک اقتصادی آمریکا به اسرائیل طی دو دهه اخیر کاهش یافته — عمدتاً به دلیل توانایی مالی بیشتر اسرائیل — کمک‌های نظامی همچنان در سطح بالایی باقی مانده‌اند. برآورد می‌شود که کمک‌های آمریکا حدود ۱۵٪ از بودجه دفاعی اسرائیل را تشکیل می‌دهد.

بر اساس برنامه «تأمین مالی نظامی خارجی»، اسرائیل از چندین امتیاز ویژه برخوردار است: از جمله استفاده از مکانیسم «جریان نقدی» که به این کشور اجازه می‌دهد خریدهای چندساله نظامی را بدون پرداخت کامل در ابتدا تأمین مالی کند؛ همچنین اسرائیل می‌تواند به طور مستقیم از تولیدکنندگان آمریکایی سلاح خرید کند و فرایند بررسی کنگره برای بسته‌های تسلیحاتی خود را تسریع نماید.

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی مسائل کلیدی اقتصادی و مالی اسرائیل طی دهه‌های گذشته پرداخت، به‌ویژه در رابطه با کسری بودجه بالا ناشی از هزینه‌های نظامی و چشم‌انداز منفی سیاسی و اجتماعی. مقاله نشان داد که اسرائیل به‌طور چشمگیری به ایالات متحده و تا حدی به دیگر کشورهای غربی در زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و مالی وابسته است. حمایت بی‌قیدوشرط ایالات متحده و کشورهای غربی از اسرائیل — بر پایه جایگاه راهبردی آن در منطقه حساس خاورمیانه — ممکن است در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به نفع اسرائیل باشد، اما در بلندمدت می‌تواند پیامدهای شدیدی برای جوامع غربی مدعی دموکراسی و حقوق بشر به‌دنبال داشته باشد.

کمک‌های بی‌قیدوشرط غرب به اسرائیل لزوماً باعث رفاه یا امنیت بیشتر مردم این کشور نشده و عمدتاً به تحکیم قدرت سیاسیون انجامیده است. نقش مالی و نظامی گسترده‌ای که ایالات متحده و کشورهای غربی از زمان تأسیس اسرائیل ایفا کرده‌اند، نه تنها اعتبار آن‌ها را به عنوان دموکراسی‌های مدافع صلح جهانی زیر سؤال برده، بلکه با ادعای آن‌ها در حمایت از صلح جهانی نیز در تناقض است.

با توجه به استدلال‌های ارائه‌شده در مقاله در زمینه‌های سیاسی، نظامی و مالی، می‌توان گفت که بدون چنین حمایتی، بقای اسرائیل به عنوان یک دولت مستقل مورد تردید قرار می‌گرفت. زیرا حاکمیت نه در ظاهر، بلکه در استقلال

سیاسی، مالی و نظامی تجلی می‌یابد. همچنین، اعطای کمک‌های گسترده و بی‌قیدوشرط به اسرائیل به رهبران این کشور این تصور را داده که می‌توانند حتی در امور سیاسی داخلی کشورهای غربی — مانند انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده — مداخله کرده و در راستای منافع خود تأثیر بگذارند.